

# بررسی الزامات تحقق تمدن اسلامی در اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی

## حوزه علمیه پیشرو و رسالت ترسیم تمدن اسلام

آیت‌الله‌العظمی شهید امام خاتمه‌ای <sup>‎<sup>ⓘ</sup></sup> در پیام به حوزه‌های علمیه این‌گونه نگاشته‌اند: «حوزه علمیه در این بخش [کمک به ابطال تمدن باطل غرب و تدارک تمدن جایگزین] وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد، و آن در درجه اول، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدّن نوین اسلامی است، و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ‌مبین» است. در باب ترسیم شاکله تمدّن اسلامی، فقه به نوعی، و علوم عقلی به نوعی نقش دارند. فلسفه اسلامی ما باید برای مسائل اصلی خود، امتداد اجتماعی ترسیم کند. فقه ما هم با گسترش میدان دید و نوآوری در استنباط، مسائل نوپدید چنین تمدّنی را احصاء و احکام آن را معیّن نماید.» ۱۷/۲۲/۱۴۰۴

رسانهKHAMENEI.IR در سلسله مطالب پرونده «حوزه پیشرو و سرآمد»، در این یادداشت نقش

حوزه‌های علمیه در استقرار تمدن نوین اسلامی را بررسی کرده است.

حوزه علمیه به‌عنوان نهادی که متکفل پرورش و تربیت فقیهان و اسلام‌شناسانی اصیل است شناخته‌شده و این نهاد علمی و مذهبی کهن در تلاش است تا با تکیه بر باب مفتوح اجتهاد، مسائل نوپدید را حل کرده و در جهت نظریه‌پردازی و ارائه نظریات دینی در عرصه‌ها و شئون مختلف زندگی بشری حرکت کند. حوزه‌های علمیه و چگونگی کنش علمی و فرهنگی آن نقش بی‌بدیلی در ساخت تمدن اسلامی دارد به‌گونه‌ای که اگر حوزه‌های علمیه نقش واقعی خود را ایفا کنند، سایر ساختارها و اجزای نظام اسلامی نیز می‌تواند دقیق‌تر عمل کنند.

گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.» (۱۳۷۹/۷/۱۲)

- بایسته‌های ایجاد تمدن اسلامی**

با بررسی سخنان و بیانات متعدد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان بیان داشت که تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دارای اصول و شاخصه‌های متعددی است؛ اینکه اساساً فرآیند جامعه‌رو به تکامل است و یک تمدن پویا به سمت تعالی حرکت می‌کند. (۱۳۸۳/۶/۲۵) و دراین مسیر، حق بر باطل پیروز خواهد شد و وعده خداوند مبنی بر حکومت مستضعفین محقق خواهد شد. امری که بار دیگر در پیام رهبر انقلاب به حوزه علمیه، تأکید شده است: «بدیهی است که این تمدّن باطل رفتنی است و ازاله خواهد شد؛ این، سنت حتمی آفرینش است: ﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (سوره اسراء، بخشی از آیه ۸۱) ﴿فَاقْمَا الزُّيُودَ فَيَدَّبْهُ جُفَاءً﴾. (سوره رعد، بخشی از آیه ۱۷) وظیفه امروز ما اولاً کمک به ابطال این باطل و ثانیاً تدارک تمدّن جایگزین در نظر و عمل به‌قدر توانایی است.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی، ساختنی است؛ به‌عبارت‌دیگر تمدن نوین اسلامی هم اثباتاً و ثبوتاً قابل ایجاد است؛ ساخت تمدن علاوه بر باور به امکان تحقق آن نیازمند همت و اراده و تلاش و مجاهدت است: «وظیفه امروز ما اولاً کمک به ابطال این[تمدن]باطل و ثانیاً تدارک تمدّن جایگزین در نظر و عمل به‌قدر توانایی است. اینکه بگویند: «دیگران نتوانستند، پس ما هم نمی‌توانیم»، مغالطه است. دیگران هر جا با ایمان و با محاسبه و با استقامت حرکت کردند، توانستند و پیروز شدند. نمونه واضح و پیش چشم ما: انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) در این رقابت تمدنی، حاشیه‌نشینی و گوشه‌گیری نه‌تنها باعث مصونیت نشده که انزوا را به همراه خواهد آورد. (۱۳۹۱/۷/۱۹)

مسیر ساخت تمدن اسلامی، مستلزم شناخت تمدن رقیب و عناصر تشکیل دهنده آن است. در شناخت عناصر تمدن رقیب باید دستاوردهای مثبت و تحولات و اختراعات و ابتکارات را اخذ کرده و از آنان بیاموزیم و از سوی دیگر عناصری را که منبعث از نگرش فلسفی همچون اومانیسم و سکولاریسم و پراگماتیسم و ... است، شناخته و آنان را طرد کرد. (۱۳۹۴/۱۰/۱۸) در کنار شناخت تمدن غرب باید توجه داشت که این تمدن در کنار گزاره‌های علمی و معرفتی و رسیدن به نتایج عینی اقتصادی و اجتماعی، دارای بعدی ایدئولوژیک است که رسیدن به منافع اقتصادی را با هر روشی ازجمله تسلط غیرمشروع انسان بر انسان‌های دیگر و همچنین تسلط بی‌حدومرز انسان بر طبیعت را توجیه می‌کند و از همین مسیر بوده است که غرب با دست‌اندازی به منافع کشورهای آسیایی و آفریقایی و... آنان را مستعمره خود کرد که این مرحله شامل تسلط عینی و فیزیکی بر سرزمین مستعمره بوده است. این درون‌مایه غیراخلاقی در تمدن غرب مایه زوال آن‌ها شده است که در تمدن

دشواری بر دوش می‌کشند که همان تأمین نرم‌افزار و خوراک فکری جهت ادامه مسیر انقلاب اسلامی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره بیان داشته‌اند: «نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به‌خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن‌کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، درباب مدیریت، درباب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته‌وپرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت این اتفاق افتاد.» (۱۳۸۹/۷/۲۹)

برای اینکه حوزه‌های علمیه بتوانند در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی حرکت کنند، باید در مرحله نخست، تمدن نوین اسلامی را ترسیم کنیم و در مرحله دوم شاخصه‌های حوزه علمیه تمدن‌ساز را شناسایی و محقق کنیم که این امور مهم نیازمند تبیین است.

- تمدن اسلامی چگونه محقق می‌شود؟**

تمدن اسلامی از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای <sup>‎<sup>ⓘ</sup></sup> یک فرآیند پنج مرحله‌ای و رو به رشد است. ایشان دراین‌باره می‌فرمایند: «یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.» (۱۳۸۳/۸/۶)

تمدن اسلامی حاصل یک فرآیند مدرج و مرحله‌بندی شده است که هر مرحله الزاماتی دارد که باید محقق شود و بدیهی است که بدون تحقق مرحله قبل، مرحله تکمیلی بعدی امکان‌پذیر نخواهد بود. (۱۳۸۰/۹/۲۱)

در طی این مسیر تمدنی درجه‌بندی شده البته به تدریج، امور تکمیل می‌شود و باید با برنامه‌ریزی و تدقیق و با برنامه‌ریزی بلندمدت اقدام کرد و از حرکت‌های مقطعی و زودگذر و هیجانی پرهیز کرد: «حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده آرمانی – که ایجاد تمدّن اسلامی است؛ یعنی تمدّنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مآذیات، همراه با معنویّت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است – یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سروکارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید



- تمدن: سفری به سوی چه مقصدی؟**

درباره اینکه تمدن چیست، تعاریف مختلفی از سوی اندیشمندان مسلمان و غربی مطرح شده است و در هر تعریف مبتنی بر عناصر و ارزش‌های معنوی و مادی هر گفتمان، شاخص‌هایی ارائه شده است. رهبر انقلاب اسلامی در بررسی ادوار مختلف تاریخ، نگاهی دانشی داشته و زوال و صعود تمدن‌ها را بر اساس ارج‌و قرب دادن به علم ارزیابی نموده و اوج تمدنی را مساوی با سرآمدی علمی دانسته‌اند و همچنین بارها به مسئله علم‌آموزی غربی‌ها از دانش مسلمین و مصادره علوم جهان اسلام توسط اروپایی‌ها اشاره کرده‌اند. (رجوع کنید به بیانات رهبر انقلاب اسلامی به تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱) در این جهان‌بینی علم از دل دین می‌جوشد و علم با دین تنافی ندارد. به‌عبارت‌دیگر معرفت زیرساخت تمدن اسلامی است و این نظام معرفتی نه‌تنها منافاتی با علم ندارد که خود باعث تولید علم و زمینه‌ساز زایش تمدنی است. (۷۶/۱۱/۱۴) در این دیدگاه تمدن، زندگی توأم با نظم علمی عنوان‌شده است. (۱۳۸۳/۹/۱۱)

در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی «تمدّن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است؛ مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت ـ و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا ـ است؛ متّکی بر عدالت و ابعاد و مصادیق آن است؛ متّکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است؛ متّکی بر مجاهدت عمومی در همه میدان‌هایی است که در آنها نیاز به حضور جهادی هست.» (پيام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای <sup>‎<sup>ⓘ</sup></sup> به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم به تاریخ ۱۷/۲/۱۴۰۴)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، راهکار ایجاد تمدن نوین اسلامی را ایجاد نظام ارزشی و دانشی می‌داند و به نظر می‌رسد در تحقق چنین هدفی است که بر مباحثی همچون «اسلامی‌سازی علوم انسانی» تحول حوزه‌های علمیه، و ایفای نقش مادری برای نظام اسلامی توسط حوزه‌های علمیه تأکید داشته‌اند. (۱۳۸۹/۷/۲۹)

ازاین‌رو می‌توان بیان داشت، ساخت تمدن نوین اسلامی بدون ایجاد نظام معرفتی از نظر ایشان مقدور نیست و حوزه‌های علمیه همان‌گونه که نقش تأسیسی برای انقلاب اسلامی داشتند، باید برای تداوم انقلاب اسلامی نیز برنامه‌ریزی کنند. به‌عبارت‌دیگر، حوزه علمیه که علت موجهه انقلاب است، خود علت مبیقیه انقلاب هم است. (۱۳۷۹/۷/۱۴)

در منظومه فکری رهبر انقلاب، معرفت دینی

و رشد و پیشرفت مادی برای رشد و پیشرفت به

صورت توأمان لازم است و تمدن‌سازی هدف

غایی انقلاب اسلامی است: « استقرار تمدّن

اسلامی» برترین هدف دنیایی انقلاب است، یعنی

تمدّنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و

منابع طبیعی و همه توانایی‌ها و همه پیشرفت‌های

بشری، و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و

هر آنچه در اختیار بشر است، در خدمت عدالت

اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل

طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقای علمی

اسلامی، اخلاق جایگزین اعمال خلاف حقوق انسان‌ها و عدالت جای ظلم را خواهد گرفت.» (۱۳۸۷/۶/۵)

غرب‌شناسی یکی از اقتضانات مهم فهم تمدنی از اسلام است و اینکه چگونه غرب از مرحله استعمار کهن به استعمار نو و سپس استعمار فرانو رسیده است، کمک می‌کند تا اسلام‌پژوه به اقتضانات مطالعات خویش توجه داشته باشد و از سوی دیگر مرعوب نظریه‌های غربی که در بافت و موقعیت (Context) مفهومی لیبرالی یا سوسیالیستی زاده شده است، گرفتار نشود. (تمدّن اسلامی در پیام اخیر رهبر انقلاب به حوزه، آمده است: «تمدّن اسلامی در نقطه مقابل تمدّن مآذی کنونی است. تمدّن مآذی از آغاز با استعمار، با تصوّف سرزمین‌ها و تحقیر ملّت‌های ضعیف، با کشتارهای دسته‌جمعی بومیان، با استفاده از علم برای سرکوب دیگران، با ظلم، با دروغ، با ایجاد دژه‌های طبقاتی، با زورگویی شروع شد و به‌تدریج فساد و انحراف از مبانی اخلاقی و تحقّق‌های جنسی نیز در آن راه یافت و رشد کرد.

امروز نمونه‌های آشکار و کامل‌شده این بنای کج‌نهاد را در کشورهای غربی و دنباله‌روان آنها می‌بینیم: قلّه‌های ثروت در کنار دژه‌های فقر و گرسنگی؛ زورگویی شیفتگان قدرت به هر آن کس که بتوان به او زور گفت؛ به‌کارگیری علم برای کشتارهای عمومی؛ کشاندن فساد جنسی به داخل خانواده‌ها و تا کودکان و نونهالان؛ ظلم و فسادت بی‌نظیر در نمونه‌هایی همچون غزه و فلسطین؛ تهدید به جنگ به خاطر دخالت در امور دیگران در نمونه‌هایی مانند رفتار دولتمردان آمریکا در دوران‌های اخیر.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

امید و نشاط و نگاه روشن به آینده، اتکا به نیروهای داخلی، ایمان به شعار «ما می‌توانیم» و پرهیز از ناامیدی و نیفتادن در دام جنگ روانی رسانه‌ای دشمن، از لوازم حرکت در مسیر تمدنی است. (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲) در این مسیر راهبردی البته صبر و استقامت لازم است که نمونه تاریخی تمدن نبوی ﷺ حاوی نکات درس‌آموز فراوانی برای امروز ما است: «در این مبارزه آسیب‌ها و ضربه‌ها و دردها و فقدان‌هایی هست که باید تحمّل شود. در این صورت پیروزی حتمی است. پیامبر اعظم ﷺ شبانه و مخفیانه از مکه و از میان حلقه بت‌پرستان بیرون آمد و در غار پنهان شد، ولی پس از هشت سال با شکوه و اقتدار به مکه قدم نهاد و کعبه را از بت‌ها و مکه را از بت‌پرستان پیراست. در این هشت سال رنج بی‌حساب برد و یارانی چون حمزه را از دست داد، ولی پیروز شد.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) این صبر و پشتکار البته نسخه‌های به‌روزی هم دارد که نسل ما و پدرانمان آن را تجربه کرده‌اند، نمونه دیگر «دفاع مقدّس هشت‌ساله ما هم در برابر ائتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محنت‌ها روبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ما است؛ و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

پرهیز از تحجر، جمود، نگاه التقاطی و از سوی دیگر ضرورت تکیه بر منابع اصیل اسلامی و فهم اجتهادی دین از دیگر اقتضانات جنبش نرم‌افزاری در راستای تولید نظریات سازنده تمدن اسلامی است. (۸۹/۷/۲۹) آن‌گونه که در پیام اخیر رهبر انقلاب به حوزه آمده است: «در باب ترسیم شاکله تمدّن اسلامی، فقه به نوعی، و علوم عقلی به نوعی نقش دارند. فلسفه اسلامی ما باید برای مسائل اصلی خود، امتداد اجتماعی ترسیم کند. فقه ما هم با گسترش میدان دید و نوآوری در استنباط، مسائل نوپدید چنین تمدّنی را احصاء و احکام آن را معیّن نماید.

بیان روشن امام بزرگوار درباره فقاقت و روش آن در حوزه علمیه راه‌گشا است. در این بیان، شیوه استنباط همان روش فقه سنتی و به تعبیر ایشان، اجتهاد جوهری است؛ با این حال، «زمان» و «مکان» دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. ممکن است موضوعی در گذشته حکمی داشته ولی با تغییر روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، اکنون حکم جدیدی یافته باشد. این تغییر حکم ناشی از آن است که موضوع هر چند در ظاهر همان موضوع قبلی است ولی با توجه به تغییر روابط سیاسی و اجتماعی و غیره، در واقع تغییر کرده و موضوع جدیدی شده است، پس حکم جدیدی می‌طلبد.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

از سوی دیگر به نظر می‌رسد، اصلاح درونی حوزه و تحول در دانش‌های حوزوی و استفاده از تجارب روز، وحدت حوزه و دانشگاه‌ها، تخصص‌گرایی در علوم، تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی از دیگر ضرورت‌های نظریه‌پردازی در دانش علوم انسانی اسلامی جهت ارتقای نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی است (رجوع کنید به بیانات به تاریخ ۸۶/۰۹/۸) و (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) تا حوزه کنونی را در راه رسیدن به حوزه‌ای «پیشرو و سرآمد» کمک کند.

جمع‌بندی اینکه، نقش و وظیفه حوزه علمیه در حوزه ساخت تمدن اسلامی «در درجه اول، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدّن نوین اسلامی است، و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ‌مبین» است.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

غور در منابع دینی و تأمل و تدبیر در آن، فهم مسائل نوپدید جهان معاصر، تقویت نگرش فلسفی و کلامی، تعمیق دانش تفسیر قرآن، به کار گرفتن اجتهاد جوهری مبتنی بر عناصر تعیین‌کننده زمان و مکان، توجه به اهداف و آرمان‌های تمدن اسلامی و ادبیات‌سازی و تبلیغ و تبیین آن و جریان‌سازی دغدغه تمدنی و تبدیل آن به گفتمان رایج جامعه در راستای زمینه‌سازی و نیل به آن، همگی نیازمند توجه بیش از پیش حوزه علمیه و دانشمندان و فضایی آن است که حرکت در این مسیر می‌تواند امید را در دل طلاب و جویندگان دانش و از سوی دیگر دل‌بستگان به فرهنگ ناب دینی زنده کرده و افق پیش‌رو را بیش از پیش روشن سازد.